

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: توفیق تاش*، عضو شورای حزب کمونیست ترکیه
فرستنده: تارنگاشت عدالت
۲۶ سپتمبر ۲۰۱۹

مردم پس از پایان جمهوری دموکراتیک المان چه از دست دادند؟



دیوار برلین و حقایق: مردم پس از پایان جمهوری دموکراتیک المان چه از دست دادند؟

سیاست بورژوازی المان سال‌ها از دیوار برلین برای تبلیغات علیه جمهوری دموکراتیک المان استفاده کرد، و هنوز به آن ادامه می‌دهد. توماس باوئر، مدیرکل شرکت «باوئر آ. گ.» یکی از چهره‌های اصلی این مکانیسم تبلیغاتی بود. توماس باوئر پس از تخریب دیوار انجمنی به نام «مدیریت اخلاقی در بخش ساختمان» تأسیس کرد، و اعلام نمود که «ساختن دیوار برای مقاصد سیاسی غیراخلاقی است.»

دیوار و زیباشناسی مبارزه

بدون پرداختن به موضوعیت اخلاق در اینجا، لازم است برخی موضوعات مهم را مرور نمائیم. آیا واژه «دیوار» و مفهوم دموکراسی را می‌توان مستقل از ویژگی‌های طبقاتی آن‌ها و جایگاهشان در درون مبارزه طبقاتی مورد بحث قرار داد؟ آیا زیباشناسی مبارزه را می‌توان جدائی از وظائف الزامی و اهداف مبارزه مورد بحث قرار داد؟ البته، خیر.

ابداع یک «قانون» جهانی با جدا کردن مفهوم از عناصر اساسی که آنرا تشکیل می‌دهند، و مهم‌تر از همه، با جدا کردن از بستر تاریخی آن نهایتاً شعبده‌بازی است.

چپ نمی‌تواند و نباید از هیچ مفهوم نامربوط، که به حوزه حقوق بشر/ آزادی‌ها محدود است، در رفتار محور طبقاتی فاقد شکل مشخص و مستقل از شرایط مبارزه است، استفاده نماید.

پُرنفوذترین مفاهیم دوگانه‌ای که از زرادخانه جنگ سرد به ارث مانده دموکراسی و حقوق بشر است. آن‌ها شکل ارجاعی [ارجاعی در برابر تجربی- عدالت] این مفاهیم را به کار گرفتند، و علیه سوسیالیسم واقعی جنگ به راه انداختند. آن‌ها استثمار اقتصادی را به وسیله مفهوم دموکراسی پوشاندند و بادکنک گفتمان به اصطلاح آزادی را باد کردند. لفاظی در باره حقوق بشر به مثابه یک بحث برای انقیاد دولت‌های مستقل به کار گرفته شده است. مخالفت با دیوار برلین با این باور که «این علیه زیباشناسی مبارزه طبقه کارگر است» به مثابه بیگانه شدن با نیازهای واقعی برای قدرت سیاسی به نام چپ است.



تنبیه تاریخ یعنی چه؟

در جریان چهلین سالگرد بنیانگذاری جمهوری دموکراتیک المان در ۷ اکتوبر ۱۹۸۹، گوربچف در برلین شرقی به اریش هونکر گفت: «زندگی کسانی را که خیلی دیر برسند، تنبیه می‌کند.»

گورباچف خائن که به سوسیالیسم شوروی خیانت کرد به هونکر پیشنهاد می‌کرد به جمهوری دموکراتیک المان خیانت کند. نیروهای ضدانقلابی یک ماه پس از سخنرانی گوربچف به سقوط جمهوری دموکراتیک المان دست یافتند.

هنگامی که اتحاد شوروی، که به بنیانگذاری جمهوری دموکراتیک المان بسیار کمک کرده بود، حمایت از جمهوری دموکراتیک المان را کنار گذاشت، بزرگترین مانع در برابر ضدانقلاب برداشته شد. در این بستر، گوربچف و دار و دسته او جمهوری دموکراتیک المان را به رحمت نیروهای ضدانقلابی که مانند گرگ‌های درنده کمین کرده بودند، رها کردند.

چند ماه قبل از تخریب دیوار برلین «سرویس اطلاعات کشور» (اِشتازی) در گزارشی که به هیأت سیاسی فرستاد وضعیت کشور را «بدتر از وضعیت سال ۱۹۵۳» توصیف کرد.

برای حرکت در مسیر سرمایه‌داری و عده یک سوسیالیسم بهتر زیر پا گذاشته شد. نظام تأمین اجتماعی سوسیالیسم حفظ خواهد شد و در عین حال امکانات مصرفی جذاب سرمایه‌داری افزایش خواهد یافت. این چیزی بود که به مردم وعده داده شد.

اما، از این خبرها نبود.

به این دلیل که چیزی به نام «سرمایه‌داری عادلانه» وجود نداشت، دست‌آوردهای موجود به تدریج نابود شدند. آموزش رایگان، حق کار برای همه، بهداشت رایگان، مسکن، عرصه‌های تفریحات اجتماعی-فرهنگی، عدم نگرانی از آینده، اشتغال کامل، زندگی باعزت در دوران بازنشستگی... .

به زودی، مردم شرق احساس کردند که دسترسی به همه این‌ها در آلمان سرمایه‌داری تقریباً غیرممکن است.



اما، شکست جمهوری دمکراتیک آلمان، شکست اتحاد شوروی نیز بود. گوربچف، بازیگر بی‌پروای سقوط، سر بریده جمهوری دمکراتیک آلمان را در یک سینی نقره به راهزنان امپریالیست تقدیم کرد. تاریخ آن خلق‌هائی را که از انقلاب‌های خود حراست ننمودند، تنبیه کرد. این مطمئناً چیزی بود که اتفاق افتاد.

مردم جمهوری دمکراتیک آلمان پس از ضدانقلاب

چه تجربه کردند؟

در سال ۱۹۸۸ شهروندان زن در جمهوری دمکراتیک آلمان می‌توانستند در ۶۰ سالگی بازنشسته شوند. امروز، آن‌ها مجبوراند تا ۶۵ [۶۷- پورتال] سالگی کار کنند.

در سال ۱۹۸۸، بازنشستگان ماهانه ۴۷۷ مارک جمهوری دمکراتیک آلمان حقوق می‌گرفتند. آن‌ها می‌توانستند با این درآمد هزینه اجاره و خوراک خود را پردازند و نصف (حتا دو سوم) دستمزد خود را پس‌انداز نمایند. چون نظام رفت‌وآمد عمومی بر محور سوددهی قرار نداشت، بلکه برای مردم سازماندهی شده بود، تقریباً رایگان بود. چون کشور از کتابخانه، تئاتر، مراکز کنسرت پُر بود، مردم مانند امروز به پرسه زدن در مراکز خرید یا تماشای تلویزیون محدود نبودند.

آن‌ها به کودکان‌های تمام‌وقت برای کودکان عادت داشتند. دسترسی به کودکان‌های تمام‌وقت در آلمان به اصطلاح قدرتمند امروز فقط برای افراد طبقه متوسط و بالا ممکن است. و کسانی که «تخصصی» دست و پا می‌کنند عموماً از این افراد تشکیل می‌شوند. برای بقیه، زندگی یعنی کار و بزرگ کردن کودکان.



فنلاند، کشور پیشگام در پژوهش «برنامه برای ارزیابی بین‌المللی دانش‌آموزان» (PISA Programme for International Student Assessment) از راه‌های گوناگون شیوه‌های آموزشی جمهوری دموکراتیک المان را اقتباس کرد. المان امروز نمی‌تواند از معیارهای معمولی «برنامه برای ارزیابی بین‌المللی دانش‌آموزان» فراتر رود. المان امروز با نظام آموزش متوسطه درجه ۳ و نظام دانشگاهی با وام و شهریه خود، سیاست‌های آموزشی ضد‌مردمی را دنبال می‌کند.

در حالی‌که فرزندان کارگران می‌توانند آرایشگر یا مکانیک شوند، فرزندان طبقات بالا می‌توانند به دانشگاه‌های مجلل بروند، اما آن‌ها به مثابه انواع مدیران آینده در فهرست قرار می‌گیرند و برگزیده می‌شوند.

در جمهوری دموکراتیک المان مالیات کلیسا وجود نداشت. سکولاریسم قاطعانه منطبق با تعریف روشنگری سوسیالیستی اعمال می‌شد.

کلیسا هرگز در جمهوری دموکراتیک المان بزرگ‌ترین کارفرما نبود. کلیسا به چیزهای مذهبی محدود می‌شد. کلیسا در جمهوری دموکراتیک المان مالک مدارس و بیمارستان‌ها نبود.

هیچ‌کس نمی‌توانست بگوید اگر مردم مالیات کلیسا را نپردازند او شغل خود را از دست خواهد داد. اما، امروز کلیساهای کاتولیک و پروتستان بیش از ۵,۱ میلیون کارگر را در استخدام خود دارند، آن‌ها از جمله بزرگ‌ترین کارفرمایان کشور هستند. آن‌ها «خیریه‌های مسیحی» سنتی را از طریق مؤسسات تحت کنترل خود، مانند «کاریتاس» (CARITAS) و «دیاکونی» (DIAKONI) سودبر کرده اند.

شهروندان جمهوری دموکراتیک المان تابع دو دستمزد متفاوت برای کار مشابه نبودند. آن‌ها هرگز هیچ رئیسی را ندیده بودند. کارخانه‌ها، زمین‌ها و اقطاعاً بنگاه‌های عمومی کار بود. در المان امروز آن‌ها شاهد شکاف درآمد هستند. آن‌ها شاهد نظام بیمه‌کاری فرعی هستند که بدترین برده‌داری مدرن است.

آن‌ها می‌بینند و تجربه می‌کنند که قراردادهای اجاره، شرکت‌های بیمه، عرضه احمقانه‌ای که تقاضا را برمی‌انگیزد، و بلاهت آگهی‌های تجاری و خودنمایی و فریب رسانه‌های تصویری چگونه فریب‌شان می‌دهند.

منبع: جیب، پرتال خبری حزب کمونیست ترکیه
تازنگاشت عدالت

* - «توفیق تاش»، عضو شورای حزب کمونیست ترکیه در سالگرد تخریب دیوار برلین درباره جمهوری دموکراتیک المان نوشت. «تاش» نشان می‌دهد مردم جمهوری دموکراتیک المان چگونه پس از پایان سوسیالیسم دست‌آوردهای خود را باختند.